

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان :
Concept of Entity and a Philosophical Approach
to Entity and City Nature.
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مفهوم هویت و رویکردی فلسفی به هویت و ماهیت شهر

مهدی واعظی^{۱*}، مسعود علیمردانی^۲

۱. کارشناس ارشد معماری و طراحی شهری.

۲. دکتری شهرسازی، استادیار دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران.

تاریخ دریافت : ۹۶/۰۸/۱۳ تاریخ اصلاح : ۹۷/۰۲/۱۹ تاریخ پذیرش : ۹۷/۰۳/۰۶ تاریخ انتشار : ۹۷/۰۵/۰۱

چکیده

پژوهش حاضر برگرفته از رساله کارشناسی ارشد طراحی شهری است که با موضوع ارتقای هویت کالبدی سیما و منظر شهر اسلامشهر در دانشگاه شهید رجایی آرایه شده است. دیدگاه‌های موجود در مورد چیستی هویت شهر و علل ایجاد آن متفاوت و بعضاً پراکنده هستند. عده‌ای از پژوهشگران هویت را صرفاً معنای ذهنی^۱ نهفته در تاریخ شهر دانسته‌اند و عده‌ای دیگر آن را در انسجام و تداوم ویژگی‌های کالبدی و کیفیت محیط جستجو می‌کنند. این پژوهش با عنایت به تفاوت ریشه‌ای مفهوم هویت در فلسفه غرب و فلسفه صدرایی سعی بر آن دارد تا با بررسی وجودی و اصالت هویت شهر، رابطه ذات و اعراض، مقدمه و مؤخره^۲ تقریر هویت شهر را اثبات کند. دو فرضیه وجودی ذهنی و حقیقی برای هویت و قائل شدن صغرا و کبرا (مقدمه و مؤخره) برای وجود هویت راهبرد تحقیق را مشخص می‌کنند. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش روش کیفی و توصیفی با استفاده از نظریه‌های موجود در اسناد مکتوب و استدلال منطقی و تطبیقی نظریه‌های فلسفی موجود از جمله اصالت وجود، هستی‌شناسی، پدیدارشناسی و حرکت جوهری^۳ به صورت استنتاج عقلی- فلسفی است. از نتایج حاصل از پژوهش در حوزه وجودی و اشمالی هویت شهر، می‌توان در تبیین ریشه و منشاء هویت شهر در غرب و فلسفه اسلامی، فهم رابطه وجود و ماهیت برای ادراک هویت بهره برد. نهایتاً این فرض که هویت شهر وابسته به جسم شهر است (مانند روح که در جسم حلول می‌یابد). و هویت با مفهوم ذهنی و حقیقی به مناسبات انسانی مربوط می‌شود به اثبات خواهد رسید. شهر بدون زمینه‌های هویتی، مانند جسم بدون روح است. و روح نیز قابل تقریر نخواهد بود مگر در قالب جسم و تجسم در ظاهری هم سنخ که همان ماهیت یا کیفیت شهر است.

واژگان کلیدی : هویت شهر، ماهیت، ابعاد هویت، حرکت جوهری، کیفیت محیط.

مقدمه

گذاشتند که می‌توان آنها را در دو گروه کلی قرار داد :
روش‌شناسی تفسیری- تأویلی، و روش‌شناسی انتقادی.
شناخت تفسیری بر چگونگی نگرش مردم نسبت به محیط
و چگونگی خلق معنا مبتنی است. بحران معنی در فضاهای
شهری و کاستی‌های رویکرد کمی در نیل به حس مکان و الفت

مکاتب مختلف در نیمه دوم سده بیستم، با هدف اصلاح،
تکمیل یا تغییر بنیادی رویکرد اثباتی پا به عرصه وجود

* نویسنده مسئول : mahdivaezi2012@mailfa.com
۰۹۳۵۵۲۰۷۰۹۱

ذهنی نهفته در تاریخ شهر دانسته‌اند (هویت مرادف معنا) و عده‌ای دیگر هویت را در انسجام و تداوم ویژگی‌های کالبدی و کیفیت محیط جستجو می‌کنند (هویت مرادف کیفیت). در این پژوهش هویت را با فرضیاتی مشخص، از منظر فلسفه هستی، چیستی و اصالت وجود بررسی کرده و ماهیت و اعراض وابسته به آن را با تبیین رابطه دو سویه کیفیت و هویت تعریف خواهیم کرد.

روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش روش کیفی و توصیفی با استفاده از نظریه‌های موجود در اسناد مکتوب و استدلال منطقی و تطبیقی آنها از جمله نظریه اصالت وجود، حرکت جوهری، هستی‌شناسی به صورت استنتاج عقلی-فلسفی است.

فرضیه تحقیق

دو فرضیه هم‌بسته در این تحقیق بررسی شده است: نخست اینکه اصالت وجود هویت بر دو نوع است: وجود غیر مستقل و وابسته به اعراض (ویژگی‌های کیفی شهر) و وجود عقلاً مستقل و مربوط به نفس خود (شهر و انسان). دوم: هویت شهر به کالبد شهر وابسته است و کالبد شهر زمینه ساز موجود شدن هویت خواهد بود. یعنی هویت دارای مقدمه (صغرای هویت) و مؤخره (کبرای هویت) است.

مبانی نظری

- وجود و موجود: اموری که علم به آنها تعلق می‌گیرد به دو دسته تقسیم شده‌اند: الف) اموری که وجودشان قائم به خود است و ذات یا جوهر نامیده می‌شوند. ب) اموری که وجودشان عارضی بوده و وابسته به وجود ذوات هستند (پرتوی، ۱۳۹۲). ملاصدرا در اسفار اربعه در اثبات حقیقت و ثبوتیت "وجود" آورده است: چون حقیقت هر "چیز"ی عبارت از خصوصیت وجودش است که برایش ثابت است، پس وجود، از این "چیز" سزاوارتر است که دارای حقیقت باشد. بهمنیار^۵ نیز در کتاب التحصیل، حقیقت وجود را در اعیان می‌داند و بس. اگر وجودی تحقق دارد پس باید عینیت هم داشته باشد (شیرازی، ۱۳۸۴: ۴۰). اما شیخ اشراق^۶ در نفی (تحقق و اثبات) وجود معتقد است: هر موجودی عینیت دارد و حصولی است و وجود (ذات) اگر موجود است باید نمایان باشد (همان: ۴۱). صدرالمآلهین معتقد است: واجب بودن ذاتی وجود، یعنی بدون نیاز به فاعل قابلیت وجود دارد. بالعکس غیر وجود پس از دگرگونی و تأثیر فاعل، تحقق به وجود فاعل یافته و متصف به وجود می‌شود. وجود به ذات خود امری عینی است و می‌تواند دارای ماهیت و یا فاقد ماهیت باشد (همان: ۴۲) هر ممکنی

با مکان موجب بازگشت به رویکرد کیفی و نیز پدیدارشناسی بوده است. در این میان مارتین هایدگر با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی اگزیستانسیال (وجودشناسی)، نسبت بین انسان و مکان را تحلیل کرد. بزرگ‌ترین هدف پدیدارشناسی بازگشت به ماهیت اشیاء است که به معنی شناختی به دور از مفاهیم انتزاعی و روبه‌رو شدن با واقعیت پدیده‌ها با صادقانه‌ترین و خالص‌ترین صورت ممکن است (پرتوی، ۱۳۹۲: ۱۶-۱۳). اغلب پژوهشگران شهرسازی معتقدند: هر پدیده‌ای از سه بعد کالبدی، محتوایی و معنایی قابل بررسی است و در آثار مصنوع (معماری و شهرسازی) اگر نهایت سازگاری بین این سه بعد اتفاق بیفتد، آن اثر و پدیده را حائز کیفیت و هویت می‌کند و به دلیل ظهور این هماهنگی در شهرهای قدیم ما در حد اعلای خود، ساختار کلی شهرسازی و معماری ایران از دوره باستان تا قاجار به تثبیت شده‌اند.

ضرورت موضوع

عدم توجه به هویت (معنی) در ساخت شهرها دو معضل شباهت شهرها به یکدیگر (عدم زمینه‌گرایی و بوم‌گرایی) و هرج و مرج بصری (عدم زیبایی، انسجام و خوانایی کالبدی شهرها) عام در شهرها پدید آورده است. این دو عامل اساسی علل اصلی بی‌هویتی (کالبدی)، افت کیفیت و ناکارآمدی محیط شهر هستند که عواقب غیر قابل جبرانی در پی داشته است. لذا برای اصلاح چنین معضلاتی و همچنین ارتقای کیفیت محیط و اقدام جهت تحقق چشم‌انداز اسناد فرادست شهرسازی مبنی بر ارتقای هویت ایرانی-اسلامی شهرها، ضروری است تا هستی، چگونگی^۴، ابعاد و مؤلفه‌های هویت شهر را شناسایی و مقدمات حفظ و ارتقای فرآیند هویت شهر فراهم شود.

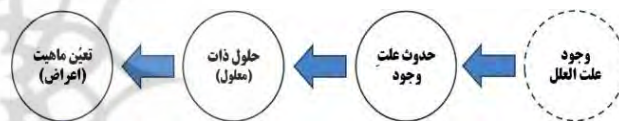
پیشینه تحقیق

در حوزه طراحی شهری، از دهه ۷۰ ظهور رویکردهای انسان‌گرایانه و جامعه‌گرایانه افرادی چون جاکوبز، لینچ و الکساندر، فعالیت طراحان را به کیفیت و هویت محلات و مناطق شهری معطوف، و در دهه ۹۰ طراحی، ساماندهی و هویت‌مندی کلیت شهر در دستور کار قرار گرفت. در اغلب پژوهش‌های گذشته، هویت یک مفهوم ذهنی است که به کمک سلیقه و احساس و خلاقیت به مرحله عینیت در معماری و شهر بدل می‌شود. مفهومی ذهنی که برای ارزیابی آن کیفیت‌هایی از قبیل: تمایز از غیر، تشابه با ارزش‌ها و نمادهای خودی، تداوم و پیوند با گذشته، تحول و پویایی یکپارچگی، تنوع و هماهنگی، استفاده می‌شوند. لذا درک ارتباط بین "عین و ذهن" در ادراک زیبایی و هویت توسط افراد بسیار موثر شمرده شده است (پاکزاد، ۱۳۸۸: ۱۱۱). از این‌رو است که تعدادی از پژوهش‌های قبلی وجود هویت را صرفاً در معنای

تعریف کرده‌است. در فرهنگ معین آمده‌است "هویت حقیقت جزئی است، یعنی هرگاه ماهیت با تشخیص، لحاظ شود هویت گویند و گاه به معنای وجود خارجی است و مراد تشخیص است و هویت گاه بالذات است و گاه بالعَرَض" (معین، ۱۳۷۱: ۵۲۲۸). در فرهنگ آموزگار هویت شناسایی، نام و نشان و شناسنامه ذکر شده است. (آموزگار، ۱۳۳۳: ۸۷۰) دهخدا در لغتنامه خود با اشاره به ریشه هُو، هویت را به مفهوم غایت جوهر یا تمامی صفات مثبته (ذات باری تعالی) بیان کرده است (دهخدا، ۱۳۴۵: ۳۴۹). کلماتی مشابه معنی هویت وجود دارد از جمله: تشخیص، جدایی و ممتاز شدن، تعیین یافتن، شخصیت^۱ و بزرگی، روحیه، این همانی^۲، طبیعت، جوهر.

و اما ماهیت از ریشه عربی "ما هی" و به معنای چگونگی و کیفیت (ظاهری) پدیده‌ها است. در فرهنگ لغات عموماً آن را معادل هویت و ذات موجودات آورده اند. اما در فلسفه ماهیت اصطلاحی است مقابل وجود. در واقع ماهیت هر چیز حکایت تام و کامل از حقیقت همان چیز و آن صورتی است که انسان برای هر موجود عینی ترسیم می‌کند و از وجود جدا شدنی نیست و مانند سایه‌ای وجود را دنبال می‌کند و می‌تواند معیار شناسایی عین و حقیقت خارجی باشد (شیرازی، ۱۳۸۳) هر چیزی فقط خودش است و از چیزهای دیگر کاملاً جداست ولی با دیگر اشیاء در "وجود" مشترک است. اینجاست که فلاسفه اسلامی برای بیان تمایز ماهیت از وجود می‌گویند هر چیزی که "ممکن" باشد (موجود) مرکب است از وجود و ماهیت. که در واقع یک چیزند و عملاً در اشیاء متحدند (خامنه‌ای، ۱۳۸۴). انسان در ادراک خود از پدیده‌ها فقط می‌تواند ماهیت (یعنی حدود منطقی و تحلیلی) آنها را درک کند نه وجود حقیقی آنها را. یک قطره آب، بیش از آن که آب باشد قطره است؛ محدود است، غرایز، تمایلات و کمبودهایی دارد که برآوردن این‌ها روش و منش زندگی‌اش را تعیین می‌کند. در نگاه هویتی قطره به معنای آب است، بی هیچ حد و مرزی، آب است و هیچ چیز جز آب نیست و ماهیت قطره دارد. انسان: منشأ و موضوع حقیقت شهر: از آنجا که حس‌گرایان به پدیده‌هایی که در ذهن و نفس وجود دارد توجه نکرده و ادراک حسی انسان را همان محصول ساده حواس پنجگانه می‌دانند، نظریات آنها نه فقط نگاهی سطحی و غیر فلسفی است بلکه از "وجود" ذهنی و علم حضوری غفلت داشته‌اند. کانت نیز در واقع منکر ادراک واقعی انسان و تطابق ذهن و خارج است. نزدیک‌ترین نظریه‌های فلسفه غرب به نظریه فلسفه اسلامی، پدیدارشناسی هوسرلی است که تا حدودی ادراک و شناخت انسان و تطابق آن‌را با عینیت خارج پذیرفته ولی انسان را از درک نومن‌ها (وجود ذهنی) عاجز می‌داند. ادراک نومن‌ها (پدیده‌ها) در این نظریه بستگی به لطفی دارد که نومن‌ها به انسان داشته و از خود تجلی و ظهور نشان داده و به انسان اجازه

مادام که وجودش به واسطه غیر خودش ترجیح داده نشود موجود نمی‌شود و موجود شدن هر ممکنی پس از وقوع علتش تحقق می‌یابد (تصویر ۱). لذا مادام که علت هر علتی توسط واجب الوجود^۳ ترجیح داده نشود، تکون نمی‌یابد (همان: ۲۲۱). پس ثبوت واجب بر ممکن، تقدم دارد. بنابراین وجود هر صفتی برای موصوف، هنگام اتصاف به آن واجب می‌شود (وجود لا حق و متأخر)^۴ لذا وجود بر دو نوع است: وجود رابط و محمولی. وجود رابط یعنی وجود از نفس خودش نباشد (مانند وجود اعراض) که از نظر تعقل استقلال ندارند، و وجود محمول یعنی وجود برای نفس خودش باشد (وجود جسم و عقل برای نفس) (شیرازی، ۱۳۸۴: ۷۹). وجود اگرچه حقیقتی بیش نیست، ولی بخش‌ها و مراتب آن (به واسطه تقدم و تأخر، نیاز و بی‌نیازی) مختلف است. و اعراض ماهوی هستند و حقیقت وجود را ندارند. لازم به ذکر است از نظر ملاصدرا، موجود جسمانی و زمان و حرکت همه یک وجود هستند. وی دوگانگی میان حرکت و زمان (تقدم و تأخر حدوث) را نفی می‌کند. حرکت و زمان را عَرَضی خارجی برای موجود مادی نمی‌داند و این امر از نگرش خاص او به رابطه‌ای که بین جوهر و اعراض برقرار است، ناشی



تصویر ۱. سلسله مراتب علل برای حدوث وجود جوهر و اعراض یک پدیده مأخذ: نگارندگان.

می‌شود (فتحی و آیت الهی، ۱۳۸۸: ۱۳۷). پس ماهیت‌ها دوام فیض ندارند بلکه حکایت‌کننده وجود هستند و حکایت ماهیت. حصول ماهیت از وجود، مانند حصول سایه است از شخص. و سایه را وجود دیگری نیست (شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۱-۲: ۹). از نظر ملاصدرا در بحث وجود جوهر و عرض، آفرینش موضوع (جوهر) آفرینش عرض هم هست و نیازمند آفرینشی جدید و فاعلی جدید نیست. (زندیه، ۱۳۹۰: ۳۸) لذا در فلسفه اسلامی وجود از دو حال خارج نیست: یا ذهنی است و درونی و یا عینی است و بیرونی. برای حقیقت بیرونی (عینی) دو جنبه قابل تصور است: یکی به لحاظ وجود او و دیگر به لحاظ چگونگی او. بنابراین هر حقیقت خارجی در موقعیت شناخت عبارت از وجود به علاوه ماهیت است. در این تعریف "وجود" سبب تحقق اشیاء است و "ماهیت" توصیف و تعریف منطقی آن است که آن را از اشیاء دیگر جدا می‌سازد. (خامنه‌ای، ۱۳۸۴). - هویت و ماهیت: هویت را حقیقت شیء یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری اوست، شخصیت، ذات، هستی، وجود، منسوب به هُو و شناسنامه گفته‌اند (عمید، ۱۳۷۶: ۱۲۱۲). دکتر معین نیز هویت را شناسایی و تشخیص پدیده‌های دارای موجودیت

معنای محیط ساخته شده، نظم‌دهی به محیط را موجب تعامل انسان با محیط می‌شمرد که در چهار مرحله میسر می‌شود: فضا، زمان، روابط و معنا. "معنا" به عنوان عملکرد پنهان محیط مطرح می‌شود و قدرت تشخیص فرد، قابلیت پیش‌بینی، خوانایی و تشخیص محیط را افزایش می‌دهد. (راپاپورت، ۱۳۶۶: ۱۹) پیرفون مایس^{۱۲} نیز معتقد است یکی از راهبردهای اساسی برای ایجاد حس هویت فردی و گروهی، طراحی محیط براساس "درک عمیق طراحان از الگوهای رفتاری" و ارزش‌های فرهنگی کاربران مورد نظر است و عناصر تشکیل‌دهنده محیط مبین و معرف هویت کاربران فضا هستند (مایس، ۱۳۸۴: ۱۷۲) در جوامع سنتی، فرهنگ (بومی) به خوبی از عهده انجام کار ویژه هویت‌سازی برمی‌آید، چرا که توانایی و قابلیت تفاوت‌آفرینی و معنابخشی بسیار بالایی داشت. (بهزادفر، ۱۳۹۰: ۳۲). از نظر کریستوفر الکساندر هویت، تجسم کالبدی کیفیت‌های بی نام در بناهاست که مبنای اصلی حیات و روح هر انسان، شهر، بنا یا طبیعت بکر است اما نمی‌توان نامی برای آن گذاشت (الکساندر، ۱۳۸۱: ۴۵۷). از نظر مارتین هایدگر^{۱۳} هویت انسان دارای ثبات و پایداری نیست و با بررسی اعماق وجود انسان پویایی هویت او قابل درک است (Haapala, 2004: 13-21) در واقع هویت شهرها بر هویت کسانی که در آنها زندگی می‌کنند تأثیری گذارد و بالعکس محیط شهری منعکس‌کننده نیازهای افراد جامعه و ارزش‌های (جهان‌بینی و فرهنگ) آنهاست. هایدگر دو عامل محیطی موثر بر هویت انسانی را با هم بودن و تعامل با عناصر محیطی معرفی می‌کند. اولی مرتبط با روابطی است که با هم‌نوعان خود در محیط شهری داریم و دومی اشاره به عناصر و اشیایی دارد که همواره در احاطه و تعامل با آنها هستیم (Heidegger, 1997: 131-13). بودن با دیگران و بودن در مجاورت محیط، وجود (هویت) انسان را تشکیل می‌دهد و آن نیز در طبیعت انسان نهادینه شده است. روانشناسان، یکی از اجزای هویت فرد را هویت محیط می‌دانند و قائل به استقلال آن نیستند. اما انسان‌شناسان هویت انسان و هویت محیط را مستقل از هم می‌دانند (فکوهی، ۱۳۸۶: ۱۶). سید محسن حبیبی معتقد است: "اگر در شهری، شهروند وجود نداشته باشد، آنجا شهر نیست. بنابراین وقتی از شهر صحبت می‌کنیم صحبت از تعاملات انسانی است. تعاملات انسان با انسان، انسان با محیط و انسان با شهر. به همین دلیل، عوامل تشکیل‌دهنده هویت شهر، هویت انسان را شکل می‌دهد".

• این همانی (Identity): هویت را در فلسفه (غرب) معادل این همان بودن نیز دانسته‌اند. این واژه از قرن شانزدهم در زبان انگلیسی کاربرد داشته است و تاکنون معانی از قبیل: همان بودن، یکتایی وجودی، شخصیت فرد، ورقه‌شناسایی، علائق و احساس، ویژگی متمایز کننده و ... را دلالت داشته است (بهزادفر، ۱۳۹۰: ۲۰). در فرهنگ لغات دانشگاهی

می‌دهند که او را درک کند. این نظریه نه فقط دیواری میان ذهن و عین می‌کشد که حتی ضامن تطابق شناخت و واقعی بودن آن نمی‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۸۴). مارتین هایدگر نیز در کتاب هستی و زمان مطرح می‌کند که در فلسفه و روانشناسی رایج، ارتباط میان انسان و جهان به نگرش‌های ایده آلیستی و رئالیستی کاهش می‌یابد. در نگرش رئالیستی انسان (ذهن) وابسته به جهان (عین) است و هر عمل انسان عکس‌العملی در برابر جهان است. در مقابل نگرش ایده آلیستی جهان (عین) وابسته به انسان (ذهن) است و انسان به طور مداوم از طریق شناخت در جهان خود عمل کرده و به صورت مداوم آن را شناخته و به آن شکل می‌دهد. از نظر هایدگر انسان جدا از عالم وجود ندارد، هر دو در یکدیگر وجود دارند و در هم غوطه ورنده (محسن تابان و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۴). در این میان شهرها، تولیدات انسانی هستند که علیرغم وجوه پدیدارشناختی و نیز روایت‌گری که در پس زمینه وجود ذهنی خود دارند، ظرف زندگی و تعاملات انسانی هستند که نمی‌توان هویت آنها را صرفاً در جنبه‌های ماهوی عینیات آنها جستجو کرد. لذا انسان و گزاره‌های انسانی هستند که به شهرها اصالت روح می‌بخشند (پاکزاد، ۱۳۸۸: ۱۱۵). پس انسان و تعاملات جمعی او به پدیده شهر هویت می‌بخشند و پرداختن به حقیقت وجود در انسان که خود و مصنوعاتش مقدمه هویت‌سازی شهر است، ضرورت می‌یابد. از نظر ادیان مختلف الهی خصوصاً اسلام، حقیقت انسان روح است و با مرگ نابود نمی‌شود. آیاتی از قرآن کریم مانند آیه ۳۲ سوره سجده و سوره انعام به وجود بُعد غیر جسمانی انسان، که حقیقت وجود او را تشکیل می‌دهد، دلالت دارند. حضرت علی (ع) در موعظه‌های خود می‌فرماید^{۱۴} شما نه برای نابودی، که برای باقی ماندن آفریده شده‌اید و تنها از خانه‌ای به خانه‌ای منتقل می‌شوید. موارد فوق همگی بر جاودانگی وجود انسان و وابستگی جسم و ماده به حقیقت پنهان هویت (وجود) او دلالت دارند. پس جسمی که مشاهده می‌شود تجسم روح است که با شرایط کنونی قابلیت مشاهده ندارد. در روانشناسی یکی از مشخصات شخصیت انسان "احساس هویت" است و آن عبارت است احساسی که انسان نسبت به "استمرار" حیات روانی خود دارد و یگانگی و "وحدتی" که در مقابل اوضاع و احوال متغیر در خارج همواره در حالات روانی خود حس می‌کند (بهزادفر، ۱۳۹۰: ۲۱). اریک اریکسون در حوزه روانشناسی، هویت را "مقابل اغتشاش" بیان می‌کند (داوودپور، ۱۳۸۴: ۲۶-۲۲). در جامعه‌شناسی، مقوله هویت به عنوان یکی از مهم‌ترین ویژگی و خصوصیات افراد و گروه‌های اجتماعی از جایگاه با اهمیتی برخوردار است (بهزادفر، ۱۳۹۰: ۲۱) در حقیقت هویت هر جامعه، همان هویت فرهنگی آن است. هویت و شخصیت هر انسان منعکس‌کننده هویت جامعه اوست (ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۹: ۲۳۴). راپاپورت در کتاب

عینی (ماهیت) و ذهنی (وجود) است که می‌توانند از طریق سه محیط طبیعی، مصنوع و انسانی از همدیگر تفکیک گردند. متغیرهای هر یک از این مؤلفه‌ها، چنانچه دارای صفات اختصاصی و برجسته باشند نقش شاخص و معرف هویتی را ایفا می‌کنند. برای بررسی هویت هر شهر می‌باید در جهت شناخت صفات اختصاصی و برجسته متغیرها در مؤلفه‌های طبیعی، مصنوع و انسانی اقدام کرد (بهزادفر، ۱۳۹۰: ۵۴). این مؤلفه‌ها به اختصار عبارتند از:

• **مؤلفه‌های طبیعی:** شرایط طبیعی هر شهر یکی از دلایل تمایز آن شهر است. این مؤلفه‌ها را که اغلب کالبدی هستند، می‌توان در چهار دسته زیر ارایه کرد: ۱- موقعیت مکانی (طول و عرض جغرافیایی) ۲- مؤلفه‌های جغرافیایی (توپوگرافی، پوشش گیاهی، ارتفاع، دره‌ها، کوه‌ها و ...) ۳- مؤلفه‌های اقلیمی (زاویه تابش، جهت و شدت وزش باد، دما، بارش) ۴- مؤلفه‌های هیدروگرافی (رودها، دریاها و حوزه‌های آبخیز).

• **مؤلفه‌های مصنوع:** علاوه بر مؤلفه‌های طبیعی عناصری وجود دارند که در طول زمان توسط انسان ساخته شدند و کالبد شهر را تشکیل می‌دهند و بیانگر باورها و فرهنگ سازندگان محیط هستند علیرغم اینکه خود، جهت‌دهنده رفتارهای کاربران نیز هستند. این مؤلفه‌های انسان ساخت را در ۵ گروه زیر تقسیم می‌کنیم: ۱- شکل شهر و عناصر سازنده آن (ساختار شهر، سازمان فضایی و ...) ۲- سلسله مراتب شبکه دسترسی‌ها و معابر ۳- سبک معماری غالب ۴- عناصر و بناهای نشانه‌ای (عناصر و محدوده‌های تاریخی و مکان‌ها و فضاهای دارای بار معنایی و خاطره‌ای ...) ۵- محلات مؤلفه‌های انسانی: این مؤلفه‌ها نیز بیشتر به جنبه‌های مدنی شهروندان مربوط می‌شود که می‌توان آنها را در چهار گروه تقسیم بندی کرد: ۱- مؤلفه‌های اجتماعی (فرهنگ، آداب و رسوم زندگی، تعاملات اجتماعی، نژاد و قومیت، زبان و ...) ۲- مؤلفه‌های اقتصادی (اشتغال، داد و ستد، تولید، تجارت و ...) ۳- مؤلفه‌های سیاسی و حکومتی (اداره شهر، امنیت و ...) ۴- مؤلفه‌های اعتقادی و مذهبی (جهان‌بینی، دین و مذهب و ...) که هم ذهنی و هم عینی هستند.

• یافته‌های تحقیق

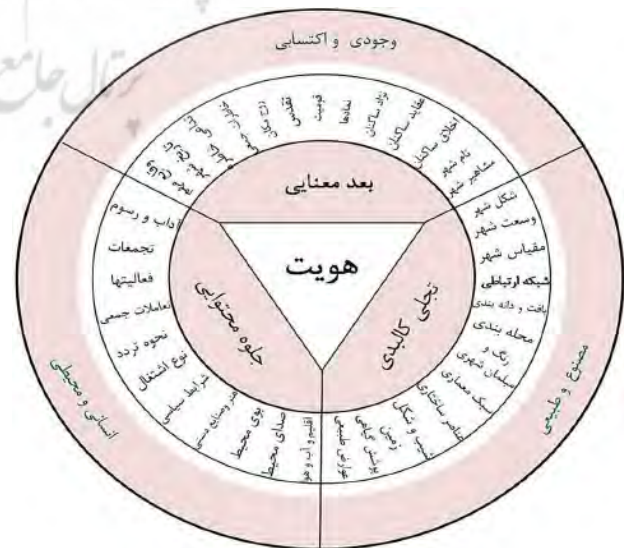
براساس مطالب گفته‌شده، چنین استدلال می‌شود که تفاوت وجود (هویت) و ماهیت شهر خصوصاً در ذهن است. یعنی معنایی که در ذهنمان از ماهیت شهر درک می‌کنیم، غیر از معنایی است که از وجود شهر درک می‌کنیم. در غیر این صورت در خارج از ذهن، وجود و ماهیت پدیده‌ها با هم یکی هستند. ذهن ما چیزی را که در خارج از ذهن درک می‌کند وقتی می‌خواهد در ذهن تجزیه و تحلیل کند آن را به دو مفهوم تجزیه می‌کند. یکی وجود آن چیز و دیگری هم ماهیت آن چیز است. لذا در خارج از ذهن دو چیز نداریم و هویت و

لاتین "identity" را به مفهوم حالت مشابهت کامل، همان بودن و یکی بودن، حالت شیء یا شخصی خاص بودن نه چیز دیگر، ویژگی خاص متعلق به فردی مشخص (فردیت) آورده‌اند (پیران، ۱۳۸۴: ۶). روانشناسان به این فعالیت ذهنی، این‌همانی (تشخیص هویت) می‌گویند. یعنی اینکه این پدیده همان است که من در ذهن دارم؟ انسان حتی با یک شیء، رویداد و فضا احساس "این‌همانی" کرده و آن را بخشی از "من" خود یا "ما"ی جامعه‌ای که به آن تعلق دارد، می‌پندارد (پاکزاد، ۱۳۸۸: ۱۱۱). این‌همانی مبین دو معیار ذهنی است که وجودش را مستدل نماید. یکی اینکه "این همان است که از قبل با آن آشنا بوده‌ای" یعنی وجود یک شناخت ذهنی از اصالت پدیده. دیگر اینکه "این است و" آن نیست. یعنی وجودی منحصر به فرد که تکراری نیست. انطباق "این" با مفهوم و معنایی که از "این" در ذهن وجود دارد. از بابت معیار اول: از یکسو ارتباط با "تداعی"، خاطره‌انگیزی و سبکه تاریخی آن مطرح است و از سوی دیگر آشنا بودن برای مخاطب، یعنی دریافت اطلاعات و پیام‌هایی که برای وی قابل بازیابی ذهنی باشد، "بیگانه نباشد"، کاملاً "بدیع نباشد"، مرتبط با رفتار و سنت و فرهنگی آشنا باشد. از منظر دوم، مشخصات و ویژگی‌هایی مطرح است که متعلق به این پدیده است و در پدیده دیگری تکرار نشده و تشخیص مفهوم و اصالت مطرح می‌شود (وجه تمایز جوهر). بنابراین مفهوم این‌همانی را می‌توان با اصطلاحاتی نظیر: تداعی، خاطره‌آمیزی، "ریشه‌ی تاریخی، مرتبط با فرهنگ خودی، انطباق، تشخیص و تمایز پیوند داد. پس فرآیند تشخیص هویت، فرآیندی است قیاسی بین عینی^{۱۴} موجود در پدیده با وجود ذهنی^{۱۵} مستتر در آن. یعنی تبدیل هر آبه یا فضای مستقل، به یک پدیده ذهنی مرتبط، در فرآیند ادراکی. لذا تشخیص هویت در واقع نوعی ارزش‌گذاری یا تعیین کیفیت است که ارتباط کامل با اندوخته‌های ذهنی فرد و فرهنگ، سنت و تجربیات وی دارد. (پاکزاد، ۱۳۸۹: ۱۹) در فرآیند این‌همانی انسان از یک تصویر ادراکی و ذهنی خود بهره می‌گیرد و آبه را با آن می‌سنجد. (همان: ۲۱) پس می‌توان با متجلی ساختن سلیقه، خلاقیت، احساس و تاریخ، "خود" را به عنوان سازه، در فرآیندی معکوس، به عینیت درآورد و عمل تبدیل ذهنیت به عینیت را محقق کرد. در این صورت آثار عینی ایجاد شده از سوی کاربران (مانند معماری و شهر) بسان فرزند "خویشتن" مطلوب و مورد حمایت و حفاظت خواهد بود. وجود عینی شهر یک شهر با مشخصات مختلفی توصیف می‌شود. مؤلفه‌هایی که هر یک به نوعی در ارتباط با شهر هستند. در جهت تقویت هویت شهر شناخت و دسته‌بندی مؤلفه‌های عینی آن ضرورت دارد. عناصر هویت یک شهر، همانند مؤلفه‌های شخصیتی انسان دارای دو حالت

انسان ساخت را شکل می‌دهند. دل مشغولی فرد یا گروه با فضا به آن معنای مکان می‌دهد، دست کم تا اندازه‌ای که آن را از سایر مکان‌ها جدا سازد (مدیری، ۱۳۸۷: ۷۶-۶۹). جهت درک بهتر موضوع، براساس مطالعات صورت گرفته، مصادیق بیرونی هویت (ماهیت شهر) را از ابعاد مختلف آن (کالبدی، محتوایی و معنایی) دسته‌بندی و در نمودار زیر ارایه کرده ایم:

الف- هویت شهر و پویایی وجود: با توجه به معانی مستخرج از ریشه لغت هویت، در همه پدیده‌ها، ذات و جوهری وجود دارد که به وسیله حالات، کیفیات و اعراض مختلفی (رنگ، مزه، بو، نرمی، زبری، وزن، حجم، کوچکی، بزرگی و ...) عینیت می‌یابد و به آن وابسته است و هیچ یک از این اعراض "استقلال وجود" ندارند. (گروه مؤلفین، ۱۳۸۴: ۳۲) طبق نظریه ملاصدرا، "غیر وجود (اعراض و ماهیت‌ها) پس از دگرگونی و تأثیر فاعل، تحقق به وجود فاعل یافته و متصف به وجود می‌شود" یعنی اعراض وابسته به وجود هویت با دگرگونی فاعل (هویت انسان و یا جسم شهر) دچار تغییر شده و شخصیت جدیدی را بروز می‌دهند. ملاصدرا اعراض و صفات هر شیء را در هستی، از مراتب و شئون وجود جوهر می‌داند. به گفته او، هر صفت و عارضه‌ای در شیء عیناً صفت و عارضه وجود خاص آن شیء است. بدین ترتیب، حرکت شیء عین هویت آن شیء می‌باشد. از این رو ملاصدرا زمان را به مقوله جوهر نیز تسری می‌دهد و آن را مقدار حرکت در جوهر قلمداد می‌کند. او زمان را پدیده‌ای ناآرام و نو شونده توصیف می‌کند که به واسطه حرکت بر اجسام عارض می‌شود. لذا زمان مقوم ذاتی جوهر مادی است. وی اساساً زمان را از ابعاد جوهر می‌داند و آن را به عنوان بُعد چهارم جوهر جسمانی ذکر می‌کند. (فتحی و آیت الهی، ۱۳۸۸: ۱۳۷) از آنجا که شهر خود پدیده‌ای است مصنوع و وابسته (به انسان و فعالیتش) که ماهیت خود را از انسان و روابط اجتماعی او به دست می‌آورد، لذا باید شهر را ماهیتی وابسته (قائم) به جوهری پنهان دانست که آن را هویت شهر می‌نامند. عواملی وجودی که به طور ذاتی به چیستی شهر اصلت می‌بخشند. عقاید حاکم بر شهر (جهان‌بینی) روح تعاملات اجتماعی انسان‌ها، قدمت، تاریخ، تداعی و معنا، فرهنگ و سنت و نژاد شهروندان را می‌توان از میان عوامل هویتی و ذات شهر نام برد. در این ارتباط، حالات و اعراض وابسته به هویت شهری در کالبد و شاکله شهر متبلور شده‌اند. چهار گروه اعراض پدیده شهر که قائم به جوهر هویت شهر هستند، مانند هر پدیده دیگری شامل "کیف، کم، وضع، این" هستند. در تصویر ۳ این عوارض را برای شهر دسته‌بندی و ارایه کرده ایم. براساس موارد ذکر شده و نیز قاعده "ضرورت به حسب محمول" هویت ذاتا یا وجود رابط دارد یا محمول. وجود رابط در هویت یعنی اصلت وجود از خودش نیست (مانند اعراض و ویژگی‌های کیفی شهر) و از نظر عقل استقلال ندارند. هویت با وجود رابط تا زمانی دوام

ماهیت با هم یکی هستند. هویت موجود عینی مانند شهر را با ماهیت آن (یعنی حاصل جمع مجموعه ویژگی‌های منطقی آن) می‌توان شناخت و ماهیت همان‌گونه که در خارج با وجود همراه است می‌تواند با وجود ذهنی همراه شود و وجود خارجی از آن سلب شود. اما چون ملاک شناخت یک موجود (مقدمه ادراک)، ماهیت آن است و در ذهن انسان همان ماهیت خارجی حضور پیدا می‌کند پس انسان می‌تواند به یاری وجود ذهنی موجود، شناختی منطبق با عالم عینی داشته باشد. براساس استدلال فوق می‌توان مواردی را به عنوان عناصر تشکیل‌دهنده وجود ذهنی محیط و منظر شهری مطرح کرد. اصلی‌ترین این عناصر عبارتند از: فضا، مکان، زمان و تاریخ، معنا. وحدت این مفاهیم در وجود هویت را می‌سازد. از این‌روست که پیشرفت شکفت‌آور فن‌آوری‌های ارتباطی، و فرآیند جهانی شدن که روند گسست مکان و فضا و زمان را شتاب بخشیده در مسیر بحران هویت حرکت می‌کند (بهزادفر، ۱۳۹۰: ۲۹). همان‌گونه که پیش‌تر با استناد به نظر ملاصدرا ذکر شد، وجود اعراض قائم به وجود ذات است و ماهیت‌ها وجود جداگانه‌ای ندارند لذا می‌توان هویت یک شهر وابسته به یک مقدمه (ماهیت) و یک مؤخره (وجود ذهنی) دانست. مقدمه یا صغرای هویت همان وجود عینی از قبیل کیفیت بصری و عملکردی و مؤخره یا کبرای هویت معنی، ریشه و تداعی ذهنی محیط (خاطرات، حوادث و وقایع، نمادانگاری فرهنگی و بومی) است. برخی ابعاد هویت شهر هستند که تجلی نمی‌یابند و به صورت مفاهیم مختلف شهری (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ...) و یا بار معنایی کیفی مکان، نقش هویت‌دهی را ایفا می‌کنند. همانطور که قبلاً ذکر شد، مکان یکی از چهار عنصر تعریف‌کننده فضا است که در ترکیب با معنی، زمان و ارتباطات، محیط



تصویر ۲. ابعاد و مؤلفه های شاکله هویت شهر. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۳. ابعاد و مؤلفه‌های شاکله هویت شهر. مأخذ: نگارندگان.

حالات و اعراض موجب تغییر و دگرگونی در اصالت هویت خواهد شد. ب- کیفیت و هویت: با توجه به موارد گفته شده، ادراک هویت شهر و یا هویت محله‌های مسکونی به مجموعه ویژگی‌های معنایی، کارکردی و کالبدی (طبیعی و مصنوع) وابسته است که بتوانند به صورت مجموعه عناصر متمایز در کارکرد و سیمای شهر و محله "تداوم" یابند. برای افزایش دلبستگی شهروندان به شهر و آگاهی عمومی آنان از محیط شهری (که بر اثر بی توجهی به ساختار کهن شهرها تضعیف گردیده و بر رفتارهای اجتماعی و سهولت انجام فعالیت‌ها موثر واقع می‌شود) ضروری است که از طریق ساماندهی محیط کالبدی اقدام شود (بهزادفر، ۱۳۹۰: ۴۹). معیارهایی کیفی برای سنجش فضا شامل: پاسخ‌دهندگی، استفاده مداوم، پاسخگویی به شخصیت شهروندان، حس تعلق، تداعی، به کارگیری همه حواس انسان، رازآمیزی و کشف فضا، تسهیل مشارکت، کارآیی فضا، خاطره‌انگیزی، معرفی شده‌اند (پاکزاد، ۱۳۸۸: ۱۴۵) که همگی در زیبایی و هویت محیط نقش اساسی دارند. هریک از نظریه‌پردازان طراحی شهری، در نظریه‌های مختلف خود از زوایای گوناگونی به موضوع کیفیت فضای شهری و مکان‌ها پرداخته‌اند. در جدول ۱ اهمیت هریک از این عوامل کیفی از دیدگاه تعدادی از صاحب نظران آورده شده است و طی یک ماتریس مهم‌ترین موارد را مشخص کردیم. پس از بررسی مؤلفه‌های کیفیت بخش مکان در این جدول این نکته استنتاج می‌شود که برای ادراک محیط به عنوان یک کل منسجم که با ذات خود سنخیت و همبستگی دارد، مقدمه تشکیل هویت، وجود شرایط مکانی و فیزیکی حضور روح است و پس از آن ذات و حقیقت در قالب آن کلیت منسجم، متصور خواهد شد. همانطور که در جدول مشاهده می‌شود کیفیت‌هایی نظیر تنوع کاربری و حق انتخاب، نفوذپذیری، سرزنده بودن، پیاده مداری، مقیاس انسانی، تنوع و هماهنگی بصری، خوانایی،

فیض دارد که فاعل (حضور انسان و جسم شهر) موجود است. اما وجود معمولی هویت شهر دارای استقلال در وجود است و اصالت وجود از نفس خودش است (مانند جسم شهر و حضور انسان). براساس پژوهش حاضر، هر تغییری که در جوهر یا اعراض ایجاد شود، تأثیر در دیگری هم دارد و از همین طریق هم حرکت جوهری را اثبات می‌کند (زندیه، ۱۳۹۰: ۳۸). چنانچه تغییر یا تحولی در حالات و ویژگی‌های اشیاء و پدیده‌ها ادراک می‌شود، ضرورتاً تحول و دگرگونی متناسبی در جوهر و ذات پدیده ایجاد شده است که نمود آن در اعراض توسط مخاطبان ادراک می‌شود. طبق آیه ۲۹ سوره ۵۵ قرآن کریم (كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِى شَأْنٍ) و همچنین آیه ۱۵ سوره ۵۰ (بَلْ هُمْ فِى لَبْسٍ مِّنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ) ذات پدیده‌های طبیعی به طور مداوم حادث (خلق) می‌شوند و در حال دگرگونی‌اند و با تغییر ذات و هویت (چیستی) ماهیت و حالات (چگونگی) نیز دچار تحول می‌شود. این چنین است که شهرها به عنوان پدیده‌های مصنوع دارای یک بعد هویتی و ذاتی و یک بعد ماهیتی و عَرَضِی قابل تصورند. هویت ذاتی شهرها چیزی غیر عَرَضِی است که در تشخیص، تمایز و تعریف یک شهر از شهر دیگر موثر است. با تغییر و تحول عوامل موثر بر هویت شهر، عوامل هویتی نیز دچار تحول می‌شود و دلایل اصلی این تحول، دگرگونی در نگرش به جهان، تغییر فرهنگ بومی، تحول محیط جغرافیایی، زمان و تحول شرایط اجتماعی است (نقی زاده، ۱۳۸۶: ۳۱۶). لذا می‌توان گفت هویت شهر مفهومی است که پس از تحقق شهر امکان وجود خواهد داشت. یعنی به محض تشکیل شهر چه از لحاظ صورت و چه از لحاظ مفهوم محتوایی و کارکردی، وجود هویت از مرحله امکان به وجود می‌رسد و علل تشکیل آن شهر نیز همان علل وجود هویت هستند (تصویر ۴ و ۵). هویت مفهوم یا وجودی است وابسته به فاعلی دیگر که آن فاعل انسان و جسم شهر است. هر گونه دگرگونی در فاعل و

جدول ۱. معیارها و عناصر سازنده کیفیت مکان از نظر صاحب نظران مأخذ: نگارندگان.

نظریه پرداز	معیار کیفیت	نظریه پرداز	معیار کیفیت	نظریه پرداز	معیار کیفیت	نظریه پرداز	معیار کیفیت	نظریه پرداز	معیار کیفیت
مین میگوژوزا ۱۹۶۶		کاکستر ۱۹۶۸		کون لوج ۱۹۸۲		دوایچ ۱۹۸۳		بان تلی ۱۹۸۵	
رایر تراسیک ۱۹۸۶		مکله لایز ۱۹۸۷		سلوت بوت ۱۹۸۹		نیرالز ۱۹۹۲		گرین ۱۹۹۲	
وایان کونی ۱۹۹۳		ماتن وهاثر ۱۹۹۴		نلسون ۱۹۹۴		نویک کتر ۱۹۹۸		پاتر و کارمونا ۱۹۹۷	
راجر ۱۹۹۹		مونت کوری ۱۹۹۹		۲۰۰۰ Dietz		پاکر ۱۳۸۵			



تصویر ۳. چهار گروه أعراض پدیده شهر، مأخذ: نگارندگان.

تصویر ۴. ابعاد وجودی شهر، مأخذ: نگارندگان.

درونی‌ترین ویژگی‌های یک شهر هستند. فرهنگ، سنت، تعاملات جمعی و ... نیز از مصادیق وجود حقیقی یک شهر تلقی می‌شوند (فرضیه اول). ماهیت شهر (کیفیت بصری و کالبدی شهر) بیانگر حد و مرزی است که خارج از آن حد و مرز، شهر، دیگر آن شهر نیست. و میان وجود و ماهیت شهر نسبتی برقرار است، بدین معنی که هرکدام از آنها ناظر به دیگری تعریف می‌شود به گونه‌ای که نمی‌توان بدون آگاهی

ریشه‌داری (هویت تاریخی) از مواردی هستند که اغلب صاحب نظران در کیفیت بخشی آنها بر محیط شهری اتفاق نظر دارند. بررسی فرضیه‌ها: هویت شهر به مفهوم وجود و ذات شهری تواند دارای هر کدام از دو نوع وجود باشد. وجود ذهنی (مانند سیمرغ که یک وجود ذهنی است و عینیت ندارد) یا وجود حقیقی (که با اتحاد وجود و ماهیت ادراک می‌شود). زمان، تاریخ و معنا از مصادیق وجود ذهنی ذات آن و بیانگر

غلط هویت برای امور غیرانسانی هم هستیم. براساس اصل "ضرورت به حسب محمول" شهر بدون زمینه‌های هویتی، مانند جسم بدون روح است. هویت (به عنوان یک وجود ذاتی) وابسته به عللی مرکب از دو علت با منشاء انسانی و منشاء طبیعی است. هرگاه هر گروه علل ایجاد هویت (ذات) شکل گیرد، هویت شهر موجود خواهد شد و تجلی آن در اعراض و ماهیت عینیت خواهد یافت. مؤلفه‌های هویتی چه طبیعی و چه انسان ساخت (معماری و شهر) ابزارهای تعیین ذات هویت هستند. حال اگر شهری وجود دارد که آن را حائز درجاتی از هویت می‌دانیم، دلیل آن را باید در ریشه انسانی و یا طبیعی محیط جستجو کنیم. از سوی دیگر در شهرهای معاصر که سبقه انسانی و طبیعی قابل توجهی در آنها متصور نیست، وجود زیبایی و کیفیت ظاهری شهر، مقدمه تشکیل هویت انسانی خواهد بود. نکته اصلی و مهم این است که روابط اجتماعی و سنت‌های کهن بومی تدریجاً و در منطقه‌ای کوچک در شاکله شهر (و نه در مقیاس جهانی و با سرعت زیاد) بروز پیدا می‌کند. تکامل تدریجی عوامل هویت‌ساز در جغرافیای محدود بومی، علت دوام هویت و معنی‌داری حیات اجتماعی تمدن‌هاست. لذا با داشتن کالبدی با کیفیت، مقدمه حلول هویت و ذات برای شهر فراهم و هویت محقق می‌شود. به محض تشکیل شهر چه از لحاظ صورت و چه از لحاظ مفهوم محتوایی و کارکردی، وجود هویت از مرحله امکان به وجود می‌رسد.

پی‌نوشت‌ها

۱. براساس قانون علیت هر پدیده‌ای برای موجود بودن نیاز به علت هم سنخ با خود دارد. / ۲. کوین لینچ (Kevin linch) نظریه پرداز معاصر شهرسازی و معماری و نویسنده کتاب «the image of the city» معنی ذهنی را یکی از کیفیت‌های محیط و مترادف با هویت معرفی می‌کند. / ۳. صدرالدین محمد شیرازی معروف به ملاصدرا برهان حرکت جوهری را در اثبات وجود رابطه بین جوهر و اعراض آن در کتاب اسفار اربعه (سفرهای چهارگانه) مطرح می‌کند که در این پژوهش از مطالب سفر اول (سفر خلق به حق) استفاده شده است. / ۴. مرادف ماهیت، به معنای اعراض و چگونگی عینیت وجود استفاده شده است. لغت لاتین charactistics برای این واژه مناسب دیده شد. / ۵. از شاگردان ابن سینا (قرن پنجم). فیلسوف بزرگ و صاحب کتاب التحصیلات. / ۶. شهاب الدین سهروردی از حکما و فلاسفه قرن ششم هجری و همدرس فخر رازی، ملقب به رهبر افلاطونیان. نظریه مکتب اشراق را بر پایه فلسفه و عرفان بنا نهاد. کشف و شهود و اشراق را بهترین و والاترین مرحله شناخت می‌داند. / ۷. خدای واحد. وجودی که همه موجودات قائم به اراده او هستند. تنها وجودی که علت وجودش خودش است. / ۸. این یعنی «ضرورت به حسب محمول». در توضیح این قاعده می‌توان گفت که مثلاً اگر کتابی به صفت سفید بودن متصف است، اگر کتاب وجود نداشته باشد سفید بودن هم از ضرورت امتناع خواهد داشت. / ۹. ۱۰ / personality identity. / ۱۱. (یا اینها الناس إذا خلقنا و یا کم للبقاء لا للفناء، لکنکم من دار الی دار تنقلون،

از ابعاد و ویژگی‌های ماهیتی شهر، به درک درستی از هویت آن رسید. پس هر وجودی اگر مستلزم عینیت باشد، حلول ماهیت‌های آن واجب خواهد شد و این ویژگی‌های ماهیتی مقدمه ادراک هویت (وجود) خواهند شد. مادام که شهر موجود است هویت شهر (به مفهوم روح و ذات شهر) وجود دارد و در لحظه عدم فاعل، معدوم خواهد بود. لذا هویت شهر وابسته به جسم شهر است (مانند روح که در جسم حلول می‌یابد) یعنی کالبد شهر زمینه ساز موجودیت هویت خواهد بود. هویت حقیقت شهر است لکن باید در قالب جسم تجلی و بروز یابد.

نتیجه‌گیری

هویت یک مفهوم متصف به انسان است که به لحاظ اتصاف شهر به انسان و تعاملات او برای شهر نیز استفاده می‌شود. از این رو است که مفهوم هویت در فلسفه اسلامی با غرب تفاوت‌هایی دارد و ریشه آن هم در شناخت شناسی و اعتقاد به ابعاد مختلف وجودی انسان است. لذا مناسب‌ترین واژه برای هویت در مفهوم غربی آن "این همانی" است که فرآیند تطبیق پدیده با تصورات ذهنی ناظر است. مفاهیمی چون روح، ذات، سرشت و طبع برای هویت مفاهیمی شرقی هستند و اغلب در فلسفه اسلامی مترادف با هویت انسانی قرار دارند. هرگاه صحبت از هویت یک شهر به میان می‌آید مفهومی با علل مرکب مورد فهم غالب است و مادام که



تصویر ۵. ابعاد ماهیتی شهر، مأخذ: نگارندگان.

علت تامه محقق نشود، هویت ادراک نخواهد شد. انسان در فرایند ادراک هویت شهر وجود ذهنی (روح) شهر را با وجود بیرونی تطبیق می‌دهد. در امور غیر انسانی مانند تکنولوژی، رسانه و... اغلب از ماهیت آنها و نه از هویت آنها صحبت می‌کنیم، و در آشفته‌گی زبانی امروز شاهد کاربرد

- راپاپورت، آموس. (۱۳۶۶). *منشاء فرهنگی مجتمعات زیستی*. ت: راضیه رضازاده. تهران: نشر جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت. ایران.
- زندیه، مهدی. (۱۳۹۰). *حرکت جوهری و ثبات معرفت*. قم: موسسه بوستان کتاب، چاپ و نشر حوزه علمیه قم.
- شیرازی، صدرالدین محمد (ملاصدرا). (۱۳۸۳). *اسفار اربعه ج ۲* به ضمیمه تعلیقات سبزواری، تصحیح، تحقیق و مقدمه: مقصود محمدی، به اشرف سید محمد خامنه‌ای، تهران: انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- شیرازی، صدرالدین محمد (ملاصدرا). (۱۳۸۴). *اسفار اربعه ۱-۱ و ۱-۲*، ت: محمد خواجهی. تهران: انتشارات مولی.
- عمید. (۱۳۷۶). *فرهنگ عمید*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فتحی، علی و آیت‌اللهی، حمیدرضا. (۱۳۸۸). *زمان از دیدگاه ملاصدرا و برگسون*. فصلنامه علمی پژوهشی معرفت فلسفی، ۷(۲): ۱۳۱-۱۵۰.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۶). *انسان‌شناسی شهری*، تهران: نشر نی.
- گروه مولفین. (۱۳۸۴). *معارف اسلامی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- مایس، فون پیر. (۱۳۸۴). *عناصر معماری از فرم تا مکان*، ت: دولتخواه، مجتبی. تهران: نشر ملاتک.
- مدیری، آتوسا. (۱۳۸۷). *مکان*. نشریه هویت شهر، ۲(۲): ۷۶-۶۹.
- معین، محمد. (۱۳۷۱). *فرهنگ معین*. تهران: مؤسسه لغتنامه دهخدا.
- نقی زاده، محمد. (۱۳۸۶). *ادراک زیبایی و هویت شهر*. اصفهان: معاونت شهرسازی و معماری شهرداری اصفهان.
- Haapala, A. (2004). *THE URBAN IDENTITY: The City as a Place to Dwell*. Tallinn: Estonian Academy of Arts.
- Heidegger, M. (1997). *BEING AND TIME*. Trans. John Macquarrie, Edward Robinson. Oxford: Blackwell

- فتزودوا لما انتم صائرون الیه و خالدون فیه) شیخ مفید، ارشاد، ص ۲۲۹/۱۲.
- (Pierre von Meiss Elements of Architecture : From Form to Place (1990
- ۱۳. مارتین هایدگر، فیلسوف برجسته آلمانی (۱۸۸۹-۱۹۷۶).

فهرست منابع

- آموزگار، حبیب ا... (۱۳۳۳). *فرهنگ آموزگار*. تهران: انتشارات معرفت.
- ابراهیمی دینانی، غلامحسین. (۱۳۷۹). *ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام*، تهران: نشر طرح نو.
- بهزادفر، مصطفی. (۱۳۹۰). *هویت شهر*. تهران: نشر شهر.
- پاکزاد، جهانشاه. (۱۳۸۸). *مبانی نظری و فرایند طراحی شهری*. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
- پاکزاد، جهانشاه. (۱۳۸۹). *مقالاتی در باب مفاهیم معماری و طراحی شهری*. تهران: انتشارات آرمانشهر.
- پروین، پرتوی. (۱۳۹۲). *پدیدارشناسی مکان*، تهران: نشر فرهنگستان هنر.
- پیران، پرویز. (۱۳۸۴). *هویت شهرها: غوغای بسیار برای مفهومی پیچیده*. مجله آبادی، ۱۵(۴۸): ۹-۶.
- تابان، محسن، و همکاران. (۱۳۹۱). *هویت و مکان*، رویکردی پدیدارشناسانه. نشریه هویت شهر، ۶(۱۰): ۹۰-۷۹.
- خامنه‌ای، سید محمد. (۱۳۸۴). *کنگره جهانی فلسفه*. مسکو، ماه می سال ۲۰۰۵.
- داودپور، زهره. (۱۳۸۴). *سرعت تحولات شهری و مسئله هویت*. مجله آبادی، ۱۵(۴۸).
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۴۵). *لغتنامه دهخدا*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

واعظی، مهدی و علیمردانی، مسعود. ۱۳۹۷. مفهوم هویت و رویکردی فلسفی به هویت و ماهیت شهر. *باغ نظر*، ۱۵ (۶۲): ۴۷-۵۶.

DOI: 10.22034/bagh.2018.66285

URL: http://www.bagh-sj.com/article_66285.html

